

# مذهب و فلسفه هندوان

بهمانگونه که هند از نظر طبیعی سرزمین بدایم و طرائف است بهمان ترتیب از نظر فکری و فلسفی نیز از قدیم الایام صاحب افکار و آثاری خاص و بدیع است .

در مذهب و فلسفه هندوان شخصیت واحد را نباید جستجو کرد و عبارت دیگر فلسفه این قوم را شخصی واحد و فکری تنها ایجاد نکرده است بلکه افکار و اشخاصی متعدد در این امر دخیل بودند . منشاء این افکار همگی نظر در هجرت روح از عالم ماده و کیفیت بازگشت ثانوی آن بهمین عالم تعین و تشخیص و عبارت آخری مسئله تناسخ است .

فکر هندوی در تخری حقیقت با احادیث و اخبار متمایل است و تغییر عقیده اسلاف برای وی بدترین امور بشمار می آید . از طرفی دیگر فلسفه و مذهب نیز در هند شدیداً بیکدیگر نزدیک و از هم لاینفکند . و نیز باید دانست که بر اثر دخالت افراد و افکار متعدد در پیدایش مذاهب هندوان ، فلسفه و مذهب ایشان اندک اندک ترقی یافته و از حالت بدوی برتر رفته و صدهای از ماوراءالطبیعه بخود گرفته است .

**ودا** - قدیمترین آثار مذهبی هند که اکنون در دست ماست موسوم است به «ودا» که از قرون متمادی سینه بسینه نقل شده است . این قطعات که ودا را تشکیل میدهد در بین قرن هشتم و قرن ششم قبل از میلاد بزبان سانسکریت تدوین شد . این آثار فقط مواضع مذهبی را حاوی نیست بلکه بسیاری از احادیث و افکار قدیم را نیز متضمن می باشد . «ودا» را چهار قسمت اصلی تشکیل می دهد :

۱ - «ریگ ودا» که حاوی ترانه های مذهبی است و قدیمترین و مهمترین قسمت وداست .

۲ - «سامان» که حاوی سرودهای مربوط به قربانی است .

۳ - «یاجوس» که بسیار مؤخر است و حاوی قسمتهای سحرانه می باشد .

۴ - «تروا» که در زمان جدیدتری بر قسمتهای سه گانه فوق اضافه شد .

**عناصر خارجی** - عصر مقدمه ودائی چنانست که گوئی از یک ریشه سومری و سامی

و مخصوصاً آشوری و بابلی آب بخورد و مذهب «دراویدی» نیز بنظر می آید که متکی بر خرافات عامیانه بوده و بتدریج بر اثر نفوذ مذهب ودائی که از قوم آریاست بضعف گرائیده باشد . نزدیکی ودا و اوستا نیز باینکه در احترام و پرستش برخی از مبادی اختلاف دارند ، از امور محققه است و این دو کتاب در بسیاری از امور زبانی و مذهبی گاه بهم بسیار نزدیک می شوند . متلاذره دو تاله قوای مختلف طبیعت و قراردادن آتش و سیلهای برای تقدیمی ها و پیشکشهای مرسوم و متداول است و نیز در هر

دو مذهب شریعت مقدسی که از گیاه «سوما» ۶ «هوم» در اوستا بدست می آید متداول است . خدایان اوستا و ودا و اساطیر راجه بانان اغلب شبیه بیکدیگرند چنانکه «میترا» ۷ و «میترا» خدای آفتاب و وندرا» ۸ (تنها

خدائی که صورت تجسم داشته و خدائی نگهبان و جنگجو و جسور است) ، «یم ۱» پسر خورشید که اولین بشر است که مرگ بر او چیره شد و بر دوزخ حکومت می کند و در اوستا همان جمشید است که دارای افسانه مخصوص می باشد ، «وارونا» ۲ که درودا بمنزله همان «اهورمزدا» در اوستا است و مانند او نظام عالم را حفظ می نماید : کاملا در میان هردو قوم و در هر دو کتاب مشترک کند .

**مذهب در ریگ ودا** - قسمت دوم تا قسمت هفتم و نیمه دوم از قسمت اول ریگ ودا قدیمترین قسمت این کتاب است که خود از ترانه هائی تشکیل میشود. قسمتهای هشتم و نهم و دهم و نیمه اول قسمت اول قسمتهائی است که بعدها راین کتاب افزوده شده.



### مظهر ویشنو

وسیع و عووجه مخلوقات است، یکتو «وحدت» در اصول و مبادی اولیه ایجاد شده. بهر حال این خدایان که اغلب یکتو تجسمی با آنها داده شده بود، نوعی از صفات روحانی بخود گرفتند. بنا بر این فلسفه ودائی که احادیثی مبتنی بر عمل بود بتدریج بعلم محض ماوراء الطبیعی مبدل گردید .

**ماوراء الطبیعه در ودا** - بتدریج در مذهب هندی فکر تمدد مبادی اولی رو به وحدت میرود ولی بانمام این کیفیت فکر تمدد از میان هندوان خارج نشده و بانمام مجاهدات فکری

در این کتاب آئین قربانیا و تقدیمی ها بیشگاه خداوند شرح داده شده است. تقدیم عصارهٔ سوما، و اغذیهٔ مختلفه و حیوانات مذبح را کتاب مزبور بشدت توصیه می کند و البته این قربانیا و پیشکشها حتما باید باسرود مقترن باشد .

تا کیدی که این کتاب در تاثیر قربانی میکند نه تنها آدمیان را باطاعت خدایان رهبری می نماید بلکه خدایان را نیز تا حدی مطیع میل و آرزوی آدمیان قرار میدهد و از همین جهت است که ساحری نیز در این کتاب نظاهرانی دارد .

بر این خدایان که اغلب اصل هند و ایرانی دارند خدایانی دیگر نیز چه ارضی و چه سماوی افزوده می شوند مانند : «سوریا» ۳ ( آفتاب ) ، «ویشنو» ۴ ( آفتاب در حال سپردن آسمان ) «رودرا» ۵ ( طوفان ) ، «اوشاس» ۶ ( فلق ) . این گروه در قطعات سوما و «آگنی» ۷ و برهما ۸ افزوده شدند . این خدایان موصوف بصفات مهم اند . ولی بایندایش «یراجایاتی» ۹ که صاحب قدرت

۱ - Yama . ۲ - Varouna . ۳ - Soûrya . ۴ - Vichnou . ۵ - Roudra . ۶ - Ouchas . ۷ - Agni . ۸ - Brahmana . ۹ - Pradjâpati .

که برای ایجاد وحدت در مبادی اولیه بکار رفته همان نظر تعدد و شرک در آن برجای ماند. قوانین و دستورهای قربانی اصل قوانین عالم و نیز قوانین اخلاقی را که خداوندان مامور نگاهداری آنها هستند، تشکیل میداد. بنابراین فلسفه و دوائی شر اختیار را از بشر در اجبار او بکارهای پست دوزخی سلب میکند. ولی این نظر جز در قسمتهای جدید ودا وجود ندارد.

**مذهب برهما در حدود ظهور بودا** - قوانین قربانی بتدریج بحدی وسیم شد که جز برهمنان کسی را یارای اطلاع بر آنها نبود و همین قواعد و قوانینند که ضامنی بقسمتهای چهارگانه ودا می افزایند بنام «براهمانا». بعدها این برهمنان چهیم امور مذهبی و عوام و تمام فرهنگ



ملی را بخود اختصاص داده و فی الحقیقه مرکزیت مذهبی آن مخصوصی را درهند ایجاد کردند. برهمنان تنها اشخاصی هستند که از اسرار خلقت و براهمان و مبادی اولیه و احادیث آگاهند و قدرت طبقه برهمنان از همین اختصاصات ایشان شروع شده است. تقسیم طبقات مردم بچهار قسمت: برهمنان (روحانیون)، «کشایریا» (جنگاوران)، «وتیا» (مردم آزاد) و «سودرا» (بندگان) در هنگام ورود آریاییان بهند ایجاد شد. هر قسمت از طبقات دسته ای را تشکیل میدهد که افراد آن از زمان تولد از آن گروه می باشد.

از حدود قرن ششم قبل از میلاد نوعی از تصوف و یکتووع مذهب مادی که از اعتقاد به مانوی مذهبی دور بود در هند ایجاد شد. این روش جدید فکری که با احادیث و دوائی لطمه ای وارد می کرد باعث یک عکس العمل و نهضت برهمنی شد. ولی نهضتی که بیشتر اهمیت داشت نهضت «وژین ها» یعنی مرتاضین است این دسته که مورد احترام تمام طبقات و حتی برهمنانند مدعیند که در کمال

### مظاهر برهما

اطمینان بتسلط بر نفس خود و تمام موجودات قادرند و البته این قدرت بر اثر یک تمرکز شدید قوای باطنی و بیروی از قواعد و قوانین سختی که اعمال و قوای ایشان را در تحت نظم و ترتیب درمی آورد ایجاد می شود.

### فلسفه در اوپانیشادها - اوپا نیشادها که مانند ضامم براهمانا در حدود

قرن پنجم ق. م بودا افزوده شد قسمتهائی است که بتدقیق در مبادی اولیه می بردارد. بنا بر این قطعات «براهمانا» که اصل معنوی عالم خلقت و مبدع و مبداء عالم وجود است؛ وجود واحد، بی عات، مطلق و عالم بلوم لابتنهای است. براهمان روح عالم کبیر است بدانگونه که «آتمان» عبارتست از نفوس جزئی و فردیه بنا بر این بکتووع شباهتی بین عالم کبیر و عالم صغیر از نظر تقوم بروح

ایجاد میشود و حتی بنا بر تصریح او یانیشادا آتمان نیز خود شبیه به براهمان و بلکه عین او و جزء ذات اوست و جمله «تت توام ازی» یعنی «تو نیز اوئی» از آن میان مشهور است.

مکان «آتمان» جسم است. قلب مرکز انتشار و قبول اعمال و حرکات جسمانی و روحانی

است که بوسیله نفس (ماناس) بقلب حمل میشوند.

اما چون آتمان نیز مانند براهمان لایزال است پس ناچار پس از فناى جسم نیز ادامه حیات می دهد ولی تنها بهمین امر یعنی دوام و خلود در ماوراء جسم قناعت نمی کند چه از خصائص آتمان حاول در جسم است، پس آتمان پس از ترك جسمی در جسمی دیگر داخل میشود و اینست همان تناسخی که هندوان بدان قائلند. فکر تناسخ اولین بار در او یانیشاد آمده است ولی اصل و اساس آنرا در مشرب روحی قبل از ودا باید جست. اما چون «کارمان»<sup>۲</sup> یعنی جسم باعث ایجاد «سامسارا»<sup>۳</sup> یعنی فناهست باید کوشید تا از آن خلاصی یافت و برای این کار دو طریق میسر است یکی تمرکز قوای داخلی که متکی بر همان عقاید مرتاضین است و دیگری معرفت که شناسائی براهمانا و خلاصی از تصورات باطل منتهی میشود.

**مذهب جاتی نی و بودائی** - در حدود قرن ششم ق. م احتیاج بقوانین اخلاق عملی

و مذهبی در مقابل فلسفه مجرد او یانیشاد حس شده بود و بر اثر همین احتیاج دو مذهب و فلسفه جدید در هند ظهور کرد. این دو مذهب که هر دو بر اثر شرایطی مشابه و در ناحیه ای واحد یعنی ناحیه گنگی پیدا شدند و هر دو نیز تقریباً سرنوشت های مماثلی یافتند دارای فلسفه ای هستند متکی بر «فنا» و «موکشا»؛ را برای عموم بدون توجه بطبقات آزاد می گذارند و نیز در هر دو مذهب برای اینکه قوانین و قواعد مذهبی در دسترس جنگی مردم قرار گیرد کتب مذهبی به زبان ساده عوام فهم و نه زبان سانسکریت یعنی زبان عالمانه ای که برای تدوین ودا انتخاب شده بود نگاشته شد.

مذهب جاتی نی ه اندکی قبل از مذهب بودائی بوجود آمد. مؤسس این مذهب شخصی بنام «کشاتریاوردمانا»<sup>۴</sup> است. پیروانش او را بنام «مهاویرا»<sup>۵</sup> یا «جینا»<sup>۶</sup> یعنی فاتح خوانندمانند.

مذهبش در شمال و مغرب هند منتشر شد و در سال ۸۲ بعد از میلاد مسیح بدو شبه منقسم گردید:

۱ - «دیگامبارا»<sup>۷</sup> که پیروانش کتاب جدیدی ایجاد کردند و برهنگی را شعار ساختند.

۲ - «توتامبر ۱۰۱» که پیروانش همان کتاب قدیمی را نگاهداشتند و برعکس دسته اولی لباس

پوشیدند. انشاء کتاب قدیمی مذهب جاتی نی در قرن پنجم ق. م اتفاق افتاد. در حدود قرن یازدهم مسیخی

مذهب جاتی نی در کجرات و کاتیاوار محدود ماند. مذهب جاتی نی بر اصل ثنویت مادی استوار است و

بنابر این مذهب عالم از دو عنصر بوجود آمده که هر دو غیر مخلوق و ازلی بوده و غیر قابل تجزیه اند.

یکی از این دو بیروح است (ماده، فضا، زمان و غیره) و دیگری ذیروح (روح). تصادم روح (جیوا)<sup>۸</sup>

و «کرمانا» نیستی و مرگ را بوجود می آورد، زیرا که «کرمانا» روح را احاطه نموده و نمیگذارد که

عنصر اصلی خود را در خارج مقرر کند. بنا بر این باید در ضعیف کردن و نابود ساختن «کرمانا»

کوشش و مجاهدت کرد. پس از فناء جسم روح یعنی «جیوا» قطعیت خود را گرفته و به «موکشا» واصل

میشود. ولی وصول به «موکشا» بر ریاضت احتیاج دارد.

۱ - Manas . ۲ - Karman . ۳ - Samsāra . ۴ - Mokcha . ۵ - D Jainism . ۶ - kehatriya Vardhmāna . ۷ - Digambara . ۸ - Djīna . ۹ - Mahāvira . ۱۰ - Djīva . ۱۱ - Gvetāmbara .